

بازنمایی دگرگونی های اجتماعی-اقتصادی شهر خنج در دوره صفوی بر اساس دو وقف نامه

یونس صادقی^۱

چکیده

شهر تاریخی خنج در جنوب فارس از دیرباز محل جریانه های فکری تصوف بوده است. شاخص ترین آنها شیخ دانیال از عرفای قرن هفتم هجری قمری و شیخ محمد ابونجم مؤسس فرقه شمسیه در قرن هشتم هجری می باشد. در دوره صفویه با اندک اطلاعات ارائه شده از طریق منابع مکتوب در خصوص خنج مواجه هستیم به همین دلیل ضرورت پرداختن به این دوره از طریق داده های اجتماعی و اقتصادی دو وقف نامه چاپ شده یکی متعلق به سال ۹۲۵ق. و دیگری به سال ۱۱۲۲ق. به وجود آمد. نتایج حاصل از تحلیل این دو وقف نامه نشان داد رونق خنج همزمان با قدرت و نفوذ گسترده اجتماعی، اقتصادی فرقه های دانیالیه، ابونجمیه و خاندان سهروردی به عنوان حاکم شرع، گستردگی اراضی وقفی در ابتدای دوره صفوی در بقعه شیخ دانیال و کوچکتر شدن اراضی وقفی در اواخر صفوی، به همراه رواج کشاورزی و باغداری بوده است. به علاوه طوایفی که از دوره صفوی تا به امروز در خنج سکونت داشته اند از طریق تحلیل وقف نامه ها مشخص گردید. روش تحقیق در پژوهش حاضر روش تاریخی مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است.

واژگان کلیدی: صفویه، فارس، خنج، وقف نامه، شیخ دانیال، شیخ ابونجم

بیان مسئله

در مطالعات تاریخی، وقف نامه ها حایز اهمیت فراوانی در بیان گذاره های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی هستند. خیلی از مطالبی که در کتب تاریخی و جغرافیایی وجود ندارد را می توان در وقف نامه

^۱ - دانش آموخته دکتری ایرانشناسی، بنیاد ایرانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

ysadeghi89@gmail.com

ها و دیگر اسناد تاریخی پیدا کرد. و بر مبنای آن تحلیلهای اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و شهری در یک مقطع تاریخی خاص را انجام داد. یکی از این شهرها، خنج در جنوب استان فارس است که در این مقاله وجوه اجتماعی و اقتصادی آن را در دوره ای ۱۹۷ ساله بین ۹۲۵ هجری قمری تا ۱۱۲۲ هجری قمری همزمان با دوره صفوی بر طبق دو وقف نامه چاپ شده مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد.^۱

شهر تاریخی خنج دوران پر فراز و نشیبی را گذرانده است. اوج دوران تاریخی این منطقه به قرون میانی تاریخ ایران بر میگردد. در جایی که بین قرون هفتم تا دهم هجری قمری خنج مرکز خانقاههای تصوف می شود و فرقه های متعددی در این منطقه سر بر می آورند. مهمترین این فرقه ها اول «دانیالیه» است که جزو پیروان شیخ دانیال در قرن هفتم هستند. فرقه مهم بعدی فرقه «شمسیه» یا «نجمیه» که جزو پیروان شیخ محمد ابونجم (۷۰۴-۷۸۶) در قرن هشتم هستند و دیگری «کاکائیه» که پیروان کاکافخرالدین در قرن هشتم هستند از دل این شهر برخاسته و در تحولات مناطق پس کرانه ای خلیج فارس به لحاظ فکری و اقتصادی نقش مهمی ایفا کرده اند. در نیمه دوم سده نهم هم قطب الدین بن محیی کوشکناری فرقه ای به نام «قطبیه» را تأسیس می کند که بنا به پژوهش دکتر وثوقی نشو و نمای اولیه آن در خنج بوده است. (۱۳۸۰، ص ۱۳۲) این نمود فرهنگی و اجتماعی خنج تا قرن دهم ادامه دارد. در دوره صفوی و به طور مشخص در سال ۹۲۵ هجری قمری یک وقف نامه از این شهر به دست آمده که وقف بر بقعه شیخ دانیال است و در آن به امضاء هجده نفر از افراد محلی رسیده است و در وقف نامه ای جداگانه که متعلق به اواخر دوره صفوی است یعنی در سال ۱۱۲۲ هجری قمری، وقفی را بر بقعه شیخ حاجی محمد ابونجم انجام گرفته است که در آن نیز به امضاء چهل و شش نفر از معتمدین محلی خنج رسیده است.^۲ هر دو وقف نامه توسط نگارنده در شماره های ۳۹۴ و ۹۵-۹۶ مجله میراث وقف جاودان به چاپ رسیده است. نوشتار پیش رو تحلیل وجوه اجتماعی خنج دوره صفوی بر اساس دو وقف نامه منتشر شده است مانند طوایفی که در خنج دوره صفوی وجود داشته و برخی از آنها از بین رفته

^۱ - در نوشتار حاضر از نظرات خانم دکتر صفورا برومند و آقای دکتر فرزین براقی بهره برده ام که از آنها کمال تشکر را دارم.

^۲ - عرض تقریبی اصل وقف نامه شیخ ابونجم ۲۰ سانتی متر و طول آن حدود ۲ متر و از جنس کاغذ کاهی می باشد

^۳ - برای مشاهده متن کامل وقف نامه نک، صادقی، ابونجمی، « بازخوانی یک وقف نامه در خنج فارس»، وقف میراث جاویدان، سال بیست و چهارم، تابستان ۹۵، شماره ۹۴

^۴ - برای مشاهده متن کامل وقف نامه نک، صادقی، ابونجمی، بازخوانی وقفنامه بقعه شیخ دانیال در خنج فارس، وقف میراث جاویدان، سال بیست و چهارم، پاییز و زمستان ۹۵، شماره ۹۵-۹۶

یا مهاجرت کردند و برخی نیز تا به امروز ادامه حیات دادند. همچنین اطلاعات اجتماعی دیگر مثل اصناف، القاب، و نام افرادی که در این مقطع زمانی نقش ایفا کرده اند مورد توجه پژوهش حاضر است. به عنوان مثال از مقایسه این دو وقف نامه میتوان از خاندانی نام برد به نام سهروردی که در این مقطع زمانی یعنی از سال ۹۲۵ تا ۱۱۲۲ حاکم شرع بوده اند اما پس از این دوره هیچ اثری از آنها در منطقه خنج نیست اما طولیفی مثل ابونجمی، دانیالی، خلوتی، سلجوقی در خنج وجود دارد. پژوهش حاضر در پی یافتن تحول اجتماعی خنج دوره صفوی براساس دو وقف نامه چاپ شده است. متأسفانه تاکنون فقط همین دو وقف نامه از این دوره تاریخی خنج به دست آمده است و همین اندک نیز دلیل اهمیت آن را دو چندان می کند چرا که با همین اطلاعات اندک شاید بتوان تا حدی نظم اجتماعی خنج را بازنمایی کرد.

مقدمه

خنج یکی از مناطق شهری مهم دوره مغول و تیموریان در مسیر بازرگانی « شیراز » به طرف « سیراف»، « کیش » و بعدها « هرموز » بود. فعالیت های فرهنگی این منطقه در حیات فرهنگی این منطقه و همچنین در حیات فکری جنوب ایران تأثیر مهمی داشته است. در قرن هفتم شیخ رکن الدین دانیال خنجی از علمای بزرگ و از مریدان شیخ ابواسحاق کازرونی با سکونت در خنج و جذب و جلب شاگردان و مریدان بسیار، این شهر را مرکز فعالیت های فرهنگی نمود و در همان حال ارتباط خود را با مراکز تجارت دریایی و از آن جمله « هرموز » به اندازه ای بود که پس از مرگ او پادشاه « هرموز » دستور ساختن گنبد و بارگاهی در محل خانقاه او صادر نمود که هنوز ویرانه های آن بر جای است. و تنها یادگار ملوک «هرموز» در آنجا به شمار می آیدمریدان او با عنوان دراویش دانیالی در تاریخ شهرت یافته اند. (نک: وثوقی ۱۳۸۰، ص ۱۳۲) ابن بطوطه در نیمه اول قرن هشتم سال ۷۳۱ هجری قمری و هنگام عبور از «خنج» و «لار» از نفوذ گسترده این طریقت در مناطق جنوب ایران یاد کرده و هدف از سفر خود را دیدار از صلحا در خنج عنوان کرده است (ابن بطوطه، ۱۳۶۱، ج ۱، ۳۰۵) خنج در قرن هشتم و نهم نیز به عنوان یکی از پایگاه های مهم فکری تربیت علما و اندیشمندان بشمار می رفت و در قرن هشتم هجری با فعالیت گسترده شیخ محمد ابونجم که از لحاظ مشرب فکری مخالف رکن الدین دنیال محسوب می شد این شهر شاهد اختلافات گسترده بین پیروان دو طریقت مهم دانیالیه و شمسیه بود. ملوک هرموز از دانیالی ها و ملوک لار از شمسیه حمایت کردند، اگرچه جدال اصلی برسر تسلط بر راه های تجاری منتهی به سواحل جنوب بوده است. این کشمکش ها در پایان قرن هشتم هجری با حمایت بی دریغ ملوک لار به نفع فرقه ابونجمی به پایان رسید (وثوقی ۱۳۸۰، ص ۱۳۲) علاوه بر این دو طریقت، در وقف نامه از حاجی شیخ عبدالسلام خنجی هم یاد شده که از جمله صلحا و زهاد بنامی بوده که در مناطق جنوب و گرمسیرات شهرت بسیار داشته است. زمان حیات وی دقیقاً معلوم نیست ولی بنا به

شواهدی قبل از خاتمه نیمه اول قرن هشتم هجری وفات یافته است (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ص ۳۱۶؛ اقتداری، ۱۳۷۱: ص ۱۷۶) همچنین از شیخ شعیب عارف قرن هشتم هجری قمری و شیخ ضیاءالدین منصور عارف اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری قمری در وقف نامه ها ذکرى به میان آمده که از عرفای بنام خنج بودند و بقایای بقعه آنها هنوز وجود دارد.

مساله اصلی پژوهش در این نوشتار روشن شدن وجوه اجتماعی خنج در دوره صفوی با تکیه بر وقف نامه‌های این دوره است که با پرسش‌های زیر همراه است:

(۱) اوضاع اجتماعی خنج در دوره های منتهی به صفویه چگونه بوده است؟

(۲) اوضاع اجتماعی خنج در دوره صفویه چگونه بوده است؟

(۳) اطلاعات اجتماعی مندرج در وقف نامه ها ناظر بر چه مواردی است؟

بر اساس سؤالات فوق، فرضیه‌های زیر مطرح می شود:

(۱) قرون هفتم تا دهم هجری قمری دوران طلایی و شکوفایی اجتماعی خنج است به علت وجود خانقاه های متعدد و تأثیرات سیاسی و اقتصادی که بر روند تحولات خلیج فارس گذاشته اند.

(۲) با توجه به متن وقف نامه ها می توان نتیجه گرفت که نظم نسبی در خنج دوره صفویه رواج داشته و شهر دارای حیات اجتماعی مختص به خود بوده است.

(۳) از محتوای وقف نامه‌ها می توان تقسیم بندی از طایفه های مختلف در خنج انجام داد و همچنین خاندان قدرتمند این دوره را ارزیابی کرد و تداوم آنها را تا زمان حاضر بررسی کرد

پیشینه پژوهش

در مورد خنج تاکنون پژوهش های اندکی صورت گرفته است. مهمترین کتاب متعلق به دکتر محمدباقر وثوقی است با عنوان «خنج گذرگاه باستانی لارستان» که مقاطع مختلف تاریخی خنج را مورد بحث قرار داده است. این کتاب تاریخ سیاسی و اجتماعی خنج را مورد واکاوی قرار داده است اما در مورد دوره پژوهش یعنی دوره صفویه اطلاعات اندکی ارائه گردیده است. دیگری کتاب «خنج دارالاولیای فارس گنجینه فرهنگ و تمدن لارستان» اثر محمدنور نوری که اطلاعات جغرافیایی این اثر حجیم به مراتب مهمتر از بخش تاریخی آن است. به همین دلیل نمی توان اطلاعات اجتماعی دوره صفوی را از این کتاب استخراج کرد. کتاب بعدی «مشاهیر نامی خنج» اثر محمد امین خنجی است که دارای مقاله بسیار مهمی از ژان اوبن، ایرانشناس فقید فرانسوی، تحت عنوان «بررسی مسیر کاروانی سیراف از طریق خنج و فال» است. این اثر به لحاظ معرفی مشاهیر خنج در طول دوران تاریخی کتابی مفید است اما تاریخی مدون از خنج در دوره صفوی ارائه نمی کند. اثر دیگر کتاب «کنزالمعانی» تألیف عبدالکریم نیمدهی است که از جمله پیروان شیخ محمد ابونجم در سده هشتم هجری قمری در خنج بوده اما بعدها

به توصیه برخی از علمای خنج مورد توجه امیر فخرالدین توران شاه سوم (۷۷۵-۸۴۱ق) قرار گرفته و به هندوستان می رود و از ملازمان خواجه محمود گاوآن می شود این کتاب نیز ناظر بر اطلاعات تاریخی ملوک بهمنی دکن بوده و از این حیث حائز اهمیت است اما به لحاظ جایگاه تاریخی خنج در دوره صفویه اطلاعاتی ارائه نمی دهد. شاید از محدود کتابهایی که درباره لارستان دوره صفوی ارائه گردیده کتاب «شرفنامه» تالیف روح الله شیرازی متخلص به فتوحی است که حاوی مکاتبات دیوانی ایالت فارس و لارستان در دوره صفویه است اما این اثر هم اشاره مستقیم به خنج آن دوره ندارد. همانطور که ملاحظه شد درباره خنج دوره صفوی اطلاعات بسیار کمی وجود دارد و همین اطلاعات اندک، توجه به منابع مکتوب نظیر وقف نامه ها را دو چندان کرده است.

تاریخ سیاسی خنج

در قدیم این منطقه جزو مناطق پس کرانه ای کوره اردشیر به شمار آمده است (اصطخری، ۱۳۷۳: ص ۹۳-۹۴) و در منطقه گرمسیری جنوب فارس با تعداد زیادی آب انبار واقع شده است (فیگوئروا، ۱۳۶۳: صص ۸۵-۹۹) منطقه خنج به دلیل نزدیکی به کاریان و اتشکده معروف آن «آذرفرنبغ» تحت تاثیر هجوم لشکریان اسلام واقع شد. این منطقه توسط «هرم بن حیان» و «عبدالله بن عامر بن کریز» در ۲۹ هجری تسخیر شد (بلاذری، ۱۳۶۴: ص ۱۴۵) به گفته فسانئ (ج ۱، ص ۵۳) عثمان بن ابی العاص، در قرن اول هجری این منطقه را فتح کرد. در قرون اولیه اسلامی به خصوص قرون سوم و چهارم خنج به واسطه ای قرار گرفتن در مسیر دریایی ابریشم و ارتباط با سیراف از رونق اقتصادی برخوردار گردید (صوره الاقالیم، ص ۶۳۸؛ ابن بطوطه، ص ۳۳۹؛ لسترنج، ۱۳۸۲: ص ۳۱۸؛ مصطفوی، ۱۳۷۵: ص ۳۶۱) با افول سیراف، خنج در عهد سلغریان و ایلخانان یکی از مسیرهای رفت و آمد بین شیراز و قیس (کیش) بوده است که در دوره مغول و تیموری هم ادامه داشت. از این پس خنج ارتباط بیشتری با مراکزی چون کیش و هرمز پیدا می کند که واژه «هرمز خنج» از همین دوره رواج می یابد (ژان اوین، ۱۳۸۶: ص ۱۶۶؛ وثوقی، ۱۳۸۰: ص ۱۳۵) در دوره «عمرشبخ»، پسر تیمور لنگ و حاکم فارس، از جاده تجاری خنج به فال به عنوان یکی از ستون های نظامی برای حمله علیه امرای هرمز استفاده شده است (ظفرنامه، ج ۱، ۷۵۳) این دوره در واقع عصر طلایی خنج به حساب می آید. خنج در قرون هشتم تا دهم به عنوان خانقاه درویش سهم اساسی در هویت فکری منطقه ایفا می کند (نک: محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ص ۴۲۷؛ وثوقی، ۱۳۷۴: ص ۳۰) وجود مقابر و خانقاه اشخاصی مانند شیخ دانیال، شیخ محمدابونجم، کاکا فخرالدین که آثارشان هنوز در خنج موجود است دلیل بر رونق فکری این منطقه به حساب می آید. ابن بطوطه که در همین دوره از خنج دیدن کرده آن را شهری آباد دیده و مسیر «هنگ پال» که راه باستانی خنج و فال بوده را مهم دانسته است (ابن بطوطه، ص ۳۳۸)

از قرن دهم به بعد خنج دچار رکود می شود که یکی از دلایل آن افول جاده‌های غربی فارس در مسیر شیراز، فیروزآباد، لاغر، خنج، فال و کیش به دلیل بروز ناامنی های گسترده که نتیجه کشمکشهای فرقه ای در «خنج» و نواحی مجاور آن بوده است (وثوقی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵) همچنین انتقال مسیرهای تجاری منتهی به خلیج فارس از طریق خنج به مسیر جهرم دلیل دیگر آن محسوب شده است (همو، ۱۳۷۴: ص ۶۴) پس از صفویه، مردم خنج به علت اتحاد مذهبی با افغانها در خرابی شهر شیراز مشارکت داشتند (فسایی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۹۷؛ کلانتر، ۱۳۶۲: ص ۳) در دوره افشاریه مردم گرمسیرات فارس با پناه دادن به «محمدخان بلوچ» عامل شورشی نادرشاه افشار زمینه کشتار گسترده خود را فراهم آوردند که مردم خنج نیز بخشی از آن بودند (نک: حزین لاهیجی، ۱۳۷۵: ص ۲۴۷؛ فسایی، ج ۱: ص ۵۲۹، استرآبادی، ۱۳۷۷: ص ۲۳۰)

خنج در دوره صفویه

دوره مورد پژوهش در این نوشتار خنج دوره صفوی است که با اندک اطلاعات مواجه هستیم، به همین دلیل تمرکز اصلی بر روی اطلاعات مندرج در دو وقف نامه چاپ شده این دوره می باشد. تنها اطلاعات تاریخی این دوره از خنج متعلق به یک سال قبل از وقف نامه شیخ دانیال است که در سال ۹۲۴ هجری قمری است و در آن از ارتباط سلاطین لار با خنج بحث شده که طی این سال « صفة صدر» و ایوانی باشکوه به دستور « نورالدهر بن شاه ابراهیم» لاری در کنار مقبره « شیخ محمد ابونجم» ساخته شد. به گفته محمدباقر وثوقی تنها اثری که از خنج در دوره صفوی به چشم می خورد، کتیبه تعمیر « صفة صدر» و ایوان ورودی مسجد جامع قدیم آن است که متعلق به دوره « شاه صفی» در سال ۱۰۴۳ هجری قمری است. (۱۳۷۴، ص ۶۳، ۶۸). اما در باب زندگی اجتماعی مردم متعلق به دوره صفوی هیچ گزاره تاریخی در منابع تاریخنگارانه و دیگر منابع به چشم نمیخورد به همین دلیل در توضیح ساختار اجتماعی خنج اتکا اصلی به محتویات وقف نامه می باشد.

همانطور که قبلا اشاره شد خنج در قرون هفتم تا دهم اوج فعالیت های فکری را شاهد بوده است به همین دلیل بقعه شیخ دانیال و شیخ ابونجم محل رفت و آمد پیروان این دو طریقت فکری بوده است. بر همین مبنا در وقف نامه شیخ دانیال بازتابی از زندگی اجتماعی مردم بخصوص در خود بقعه شیخ دانیال دیده می شود. بنا به اطلاعات مندرج در این وقف نامه، اماکنی مثل مسجد و مدارس و آب انبار در اطراف بقعه شیخ دانیال وجود داشته است به علاوه آمده که «مسجد و مدارس و اطاق جهت طلاب علمی دینی و محل طبخ اطعام فقراء و مساکین و مستمندان و دراویش خانه و محل سمات {سفره} جهت صادرین و واردین تعمیر گردیده» (وقف نامه دانیال، ۱۳۹۵، شماره ۹۴-۹۵؛ ۱۵۷) و در قسمت دیگری اشاره شده که « طوبه {چاه} مذکور وقف مدرسه برای جانشویی و لباسشویی طلاب مدرسه

دانیالیه می باشد» (ص ۱۵۸). پس بنا به این گزاره ها مشاهده شد که رفت و آمدهای متعددی در این بقعه انجام گرفته و فقرا و مساکین در کنار دراویش و پیروان دانیالیه همه بر یک سفره بوده و محلی برای طبخ اطعام وجود داشته است. به علاوه طلاب مدرسه دانیال محلی برای استحمام و پاکیزگی خود داشته اند. وقتی این گزاره ها در کنار گزارش ابن بطوطه که در قرن هشتم از بقعه شیخ دانیال دیدن کرده قرار گیرند به تداوم این نوع سبک زندگی اجتماعی مردم در این بقعه بیشتر میتوان پی برد.

ابن بطوطه می نویسد «مخارج زاویه او بسیار هنگفت است چه عطایا و لباس و مرکب و هم قلم احسان دیگر به مسافری می دهد و من در آن نواحی مانند او را نیافتم و معلوم نیست این همه مخارج را از کجا درمی آورد زیرا در آمد او منحصر است به آنچه دوستان و برادران به او می رسانند و به همین جهت غالب مردم معتقدند که شیخ را مدد از غیب می رسد» (ابن بطوطه، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳۰۵)

این نوع سبک زندگی از قرن هشتم تا اوایل نیمه اول قرن دهم در خنج رواج داشته و معمولاً بیشتر هزینه های بقعه از نذر و نذورات مردم، به علاوه املاک، مزارع و آب انبارها و چاه هایی که وقف این بقعه ها بوده تأمین شده است. زیرا مردم احترام خاصی به اماکن متبرکه خود داشته اند در همین راستا لمبتون مستشرق انگلیسی در تحلیل سبک زندگی در خانقاه ها معتقد است که برخی از خانقاه ها بخشی از یک مرکز و کانون کوچک بودند که از یک مسجد، خانقاه و حمام تشکیل شده بود و مریدان شیخ که احتمالاً مؤسس همین کانون به شمار می رفتند و نیز مسافری برای تطهیر بدانجا می آمدند و در خوراک نذری دراویش سهیم می شدند (لمبتون، ص ۳۵۱) این تحلیل لمبتون مربوط به دوره ایلخانی کاملاً با گزارش ابن بطوطه در قرن هشتم و توصیفات مندرج در وقف نامه شیخ دانیال مربوط به سال ۹۲۵ قمری مرتبط است و از تداوم سبک زندگی خانقاه ها در ایران حکایت دارد.

طوایف خنج

از جمله اطلاعات با ارزشی که در دو وقف نامه چاپ شده به دست آمد مربوط به اطلاعات افرادی بود که در پایان وقف نامه آن را مهر کرده بودند. از طریق این اسامی و انطباق آن با شرایط کنونی، طوایف و خانواده های شاخصی که از دوره صفوی تا به امروز در خنج سکنی گزیده اند را می توان ردیابی کرد به علاوه طوایفی که دیگر اثری از آنها در خنج کنونی نیست هم میتوان با مقایسه این دو وقف نامه به دست آورد. در وقف نامه اول مربوط به شیخ دانیال در سال ۹۲۵ هجری به سجل {امضا} هجده نفر از افراد محلی خنج رسیده است و در وقف نامه دوم که مربوط به وقف بقعه شیخ حاجی محمد ابونجم در سال ۱۱۲۲ هجری قمری به سجل چهل و شش نفر از افراد محلی رسیده است. (وقف نامه شیخ ابونجم، ص ۱۴۲)

نکته ای که در این دو وقف نامه محل توجه است این که حاکم شرع در هر دو وقف نامه متعلق به خاندان سهروردی در خنج است که با مقایسه این دو وقف نامه می توان به قدمت و جایگاه این خاندان در خنج دوره صفوی پی برد. اما امروزه ردی از این خاندان وجود ندارد. این احتمال می رود که با حمله لشکریان نادرشاه افشار (۱۱۴۸-۱۱۶۰ ق) این خاندان چون منصب حاکم شرع را در اختیار داشته اند یا قتل عام و یا به دیگر نقاط کشور مهاجرت کرده باشند. و بدین صورت ردی از آنها در بین طوایف کنونی خنج وجود ندارد. اما در بین اسامی که وقف نامه را سجل کرده اند اسامی افرادی با عنوان ابونجمی، دانیالی، خلوتی، درویشی و شعیی وجود دارد که در حال حاضر این طوایف در خنج وجود دارند. و قدمت تاریخی آنها را نشان می دهد. طایفه سلجوقی هم با عنوان های میری، صادقی، شفیی، صالحی وجود دارند. اما طایفه صحابی دیگر وجود ندارد و از طایفه صاحبی تنها ردی از آنها در روستای چاه طوس نزدیک خنج به دست آمده است. و از طایفه صاحب قلم تنها چند آب انبار با عنوان صاحب قلم در خنج کنونی موجود است^۱ (برای اطلاعات بیشتر راجع به طوایف نک: جدول شماره ۱)

طوایف	وقف نامه شیخ دانیال ۹۲۵ هجری قمری	وقف نامه شیخ ابونجم ۱۱۲۲ قمری	وضعیت کنونی طایفه در خنج
سهروردی	۱- حسام الدین سهروردی خنجی (حاکم شرع)	۱- محمد علی جعفر سهروردی (حاکم شرع) ۲- عبدالکریم بن محمد سهروردی ۳- محمد کریم سهروردی	وجود ندارد
دانیالی	۱- شیخ محمد بن مرحوم السعید شیخ عماد الدین شیخ احمد دانیالی خنجی (صاحب وقف) ۲- شیخ مجد الدین دانیالی خنجی ۳- شیخ علا الدین محمد دانیالی	۱- محمد بن عماد دانیالی ۲- مصطفی بن محمد دانیالی ۳- عبدالرسول دانیالی	وجود دارد

^۱ - بیشتر اطلاعات مربوط به طوایف به کمک آقایان شیخ امرالله ابونجمی و دکتر محمد ابونجمی از معتمدان محلی خنج به دست آمده است

ابونجمی	۱-معین الدین بن المرحوم شیخ روح الدین ابونجمی ۲-زین الدین بن المرحوم شیخ بهاالدین ابونجمی	۱-شیخ زین الدین و شیخ محمد زمان ابناء المرحوم شیخ محمود شیخ زیناء ابونجمی خنجی ۲-شیخ محمودابن شیخ العظم الحاج عبدالله ابونجم الخنجی	وجود دارد
صحابی	۱-محمدسعید بن المرحوم محمدشریف صحابی خنجی	۱-ملا مومن صحابی ۲-ملا محمدرضا صحابی	وجود ندارد
قتالی	۱-فرقان بن المرحوم روح الله القتالی الحسینی ۲-عبدالقادر ابن المرحوم سیدموسی قتالی الحسینی		وجود ندارد
سلجوقی	۱-امیرمحمد بن امیرمالک سلجوقی(واقف بر بقعه متبرکه شمسیه ابونجمیه و بقعه و مسجد دانیالیه از نخیلات آب باد و خیراباد مشهور به مکویه واقع در بلوک خنج)	۱-امیرابوالاعزام بن محمد سلجوقی ۲-امیرمحمدرضی سلجوقی ۳-محمدتقی سلجوقی	با عنوان های میری، صادقی، شفیع، صالحی وجود دارند
خلوتی		۱-عبدالله بن حسن خلوتی ۲-عبدالله بن محمود خلوتی	وجود دارد
صاحب قلم		۱-ملا عبدالغفور صاحب قلم	آثاری از آب انبار صاحب قلم در جنوب ساختمان شهرداری وجود دارد
صاحبی		۱-علی مراد صاحبی	ردی از این طایفه در روستای چاه طوس نزدیک خنج است
درویشی		۱-یوسف درویشی	وجود دارد

شعبی	_____	۱-علی اکبر ابن فخرالدین شعبی	وجود دارد
------	-------	---------------------------------	-----------

(جدول شماره ۱، طوایف)

اراضی وقفی در خنج

لمبتون در تحلیل گسترش اوقاف در دوره ایلخانی معتقد است که با توجه به ناامنی این دوره، صاحبان املاک با وقف نمودن زمین خود می خواستند آن را از مصادره دولت دور نگهدارند تا فرزندانشان از منابع و درآمد این املاک در مقام متولیان آن بهره گیرند. خرده مالکان هم با وقف املاک خود به بقاع متبرکه در پی تحصیل حمایت بودند (لمبتون، ص ۱۷۰) با توجه به اینکه دو وقف نامه یکی در سال ۹۲۵ هجری قمری یعنی در اوایل دوره صفوی است و دیگری در سال ۱۱۲۲ هجری قمری یعنی اواخر دوره صفوی است و در هر دوی این دوره ها شرایط سیاسی کشور آرام نبوده می توان با لمبتون موافق بود که این ناامنی حکومتی در تثبیت این دو وقف نامه می تواند تاثیر گذار باشد به علاوه اینکه واقفان با این کار در پی کسب احترام و نفوذ بودند.

نکته ای که از مقایسه اراضی وقفی دو وقف نامه به دست آمده اینکه در وقف نامه اول (شیخ دانیال ۹۲۵ قمری) گستردگی جغرافیایی وسیع تری نسبت به اراضی وقفی وقف نامه دوم (شیخ ابونجم ۱۱۲۲ قمری) مشاهده می شود. در وقف نامه اول اراضی از مناطق کارزین در حدود ۹۰ کیلومتری خنج، گله دار در حدود ۱۳۰ کیلومتری خنج، ارد در حدود ۴۰ کیلومتری به دست آمده که در مقایسه با اراضی وقفی وقف نامه دوم (شیخ ابونجم) که در آن اراضی از افزر با فاصله ۹۰ کیلومتری تا خنج، کهنویه، جنگویه، هنگویه با فاصله تقریبی ۳۰ کیلومتر، لوزویه ۷ کیلومتر و تنگ نارک ۳۵ کیلومتری خنج به علاوه اسامی روستاهای اطراف خنج مثل فیشور، بیگرد و سده و دهنو امتداد داشته که نشان دهنده گستردگی وقف نامه اول نسبت به وقف نامه دوم است. به نظر می رسد در اواخر دوره صفوی به دلیل کشمکشهای سیاسی و فشارهای حکومتی این اراضی کوچکتر شده باشد. (برای اطلاعات بیشتر راجع به اراضی وقفی نک: جدول شماره ۲ و ۳)

به علاوه اسامی مزارع وقفی و چاههایی که در این دو وقف نامه آمده نشان دهنده گستره کشاورزی، باغات و آبیاری در این مقطع زمانی است و اهمیت آن از این لحاظ است که همواره این منطقه دارای آب و هوای خشک و گرم بوده است. ابن بلخی در قرن ششم این منطقه را « گرمسیر به غایت، چنانکه به تابستان جز مردم آن ولایت، آنجا مقام نتوانند کردن از صعبی گرما» (ص ۳۳۸) و حافظ ابرو در قرن نهم معتقد است که در « آنجا آب روان، کاریز و یا چشمه ای وجود ندارد و جز درخت

خرما هیچ میوه دیگری ندارد و از کشاورزی نیز فقط کدو و جو به عمل می آید» (۱۳۷۸: ج ۲، ص ۱۲۸) توصیف کرده اند در چنین شرایطی این همه مزارع و باغات و چاههای وقفی نشان دهنده توجه به کشاورزی بین مردم منطقه خنج در دوره صفوی است.

وقف نامه ها	اراضی وقفی	فاصله اراضی وقفی تا خنج
وقف نامه شیخ دانیال ۹۲۵ هجری قمری	۱) مزارعات واقعه در بلوک کارزین مزرعه لیفرجان و مزرعه لواخرد و مزرعه عیدنابان و نصفه مزرعه سکه روان و کل مزرعه گوگرد در بلوک کارزین (وقف بقعه شیخ دانیال)	فاصله کارزین تا خنج نزدیک به ۹۰ کیلومتر است
	۲) مزرعه شاپوران در بلوک افزر و مکمل از بلوک خزرک و بوشکان (وقف بقعه شیخ دانیال)	فاصله افزر تا خنج نزدیک به ۹۰ کیلومتر است
	۳) مزرعه کوشکویه و جده در قریه شمال ارد و قریه جزدان با مزارعات در شرقی قریه ارد من توابع لار (وقف بقعه شیخ دانیال)	فاصله خنج تا ارد در حدود ۶۰ کیلومتر است
	۴) مزرعه قنات شیخی واقع در صحاری کوردان بیدزرد نزدیک راه گله دار و هفتوان (وقف بقعه شیخ دانیال)	فاصله خنج تا گله دار در حدود ۱۳۰ کیلومتر است فاصله تا هفتوان ۱۸ کیلومتر
	۵) چهار دانگ از مزرعه و نخیلات آب باد خیرآباد مشهور به مکویه واقع در بلوک خنج (وقف بقعه شیخ ابونجم)	فاصله تا خیرآباد ۳۵ کیلومتر

(جدول شماره ۲، اراضی وقفی بقعه شیخ دانیال)

وقف نامه‌ها	اراضی وقفی	فاصله اراضی وقفی تا خنج
وقف نامه شیخ ابونجم سال ۱۱۲۲ قمری	از توابعات مزرعه جات مشهور به افزر. نخستین از مزرعه منگویه است. یکی مشهور به انجیری و دیگری به رودبال	فاصله افزر تا خنج نزدیک به ۹۰ کیلومتر است
	از مزرعه مشهور بشرف خلیل. ترک امیر و شمس آباد از مزرعه مرند و ابدان از مزرعه مشهور به نیمده شرقی	
	از مزرعه مشهور به آب گرم و تنگوره و سمنکان مزرعه جات مشهور به کردیل توابع افزر از مزرعه جات چهره	فاصله خنج تا آب گرم در حدود ۵۰ کیلومتر
	مزرعه جنگویه مزرعه کهنویه مزرعه خفرویه مزرعه هنگویه	فاصله تا جنگویه ۳۵ کیلومتر فاصله تا کهنویه حدود ۳۰ کیلومتر فاصله تا هنگویه ۲۰ کیلومتر
	قریه دهنو فاریاب تاج آباد مزرعه تنگ نارک مزرعه جات در کاریان مشهور به جلال آباد اطواء بزرگ و کوچک در قریه هرم اطوای لوزویه	فاصله تا کاریان در حدود ۱۰۰ کیلومتر فاصله تا تنگ نارک ۳۵ کیلومتر فاصله تا لوزویه ۷ کیلومتر

(جدول شماره ۳، اراضی وقفی بقعه شیخ ابونجم)

اماکن جغرافیایی و القاب در خنج

این دو وقف نامه غیر از اطلاعات اجتماعی مستخرج در آن، دو کاربرد دیگر به لحاظ شناسایی اماکن جغرافیایی در خنج و القاب و عناوینی که نسبت به بزرگان اعمال می شده دارند. این دو نوع اطلاعات هم به لحاظ جغرافیایی هم به لحاظ اجتماعی، کمک کننده در تبیین خنج دوره صفوی به شمار می رود. در بحث از اماکن جغرافیایی انبوهی از اسامی آب انبارها، چاه ها، مزرعه ها، نخیلات، کاروانسرا، مسجد، مدرسه، وجود دارد که می تواند در تبیین جغرافیایی آن دوره و به خصوص یافتن اسامی قدیمی

کمک کند. به عنوان مثال از مکانی به نام « تی پر » یاد شده که در تحقیقات محلی همان محله قلاته فعلی در خنج است و یا مکانی به نام «تنگرویه» که همان « تُنْبِ تُنْگَرِه » در محله قلاته خنج است در این پژوهش تعدادی از این اسامی با موقعیت کنونی به صورت جدول بندی ارائه گردیده است. (برای اطلاعات بیشتر راجع به اماکن جغرافیایی نک: جدول شماره ۴)

مکان های جغرافیایی مندرج در دو وقف نامه	وقف نامه شیخ دانیال سال ۹۲۵ قمری	وقف نامه شیخ ابونجم ۱۱۲۲ قمری	موقعیت کنونی
تی پر			محله قلاته در خنج
تنگرویه			تنب تُنْگَرِه در محله قلاته خنج
مسجد جامع قدیم خنج			اطراف مدرسه زینبیه در غرب خنج
رودخانه خور			پشت مناره شیخ دانیال کنونی
چاه اصفوری			شمال مناره شیخ دانیال
آب انبار کلویه			شمال مناره شیخ دانیال
آب انبار میرجلالی			نخیلات محله گدوان
آب انبار خواجه حاجی			نخیلات محله گدوان
بقعه پیر خراسانی			پشت ساختمان مخابرات فعلی
چاه عبدالعزیزی			نخیلات محله گدوان

چاه شیخ حسام الدینی		نخیلات محله گدوان
چاه ملاقلم		روبروی اداره جهاد کشاورزی فعلی

در قسمت القاب و عناوینی که به عرفای خنج داده شده از مقایسه این دو وقف نامه می توان لقب « قطب العارفین شیخ رکن الحق والولایه والشرعیه والطریقه و الحقیقه والاشاره و الدین» را برای شیخ دانیال و لقب « شیخ الاسلام قطب العارفین» را برای شیخ جاجی محمد ابونجم برشمرد. نکته مهم درباره القاب این است که در وقف نامه اول (شیخ دانیال) القاب طولانی تر برای عرفا و بزرگان به کار رفته اما در وقف نامه دوم القاب کوتاه شده ای مثل «قطب العارفین» استفاده شده که این امر نشان دهنده تغییر و تحول در استفاده از القاب در دوره صفوی است. (برای اطلاعات بیشتر راجع به القاب نک: جدول شماره ۵)

نتیجه

با توجه با مسائل مطرح شده در این نوشتار، و مقایسه دو وقف نامه با همدیگر تاحدی می توان به ابعاد اجتماعی زندگی مردم در خنج دوره صفوی پی برد. مهمترین نتایجی که از مطالعه این دو وقف نامه به دست آمده اینکه نفوذ اجتماعی و اقتصادی گسترده طریقت شیخ ابونجم و شیخ دانیال به عنوان قطب مرجع در جنوب فارس در این دوره زمانی است که این نفوذ در اواخر دوره صفوی بیشتر به سمت طریقت ابونجم بیشتر شده است. دوم اینکه قدرت و نفوذ خاندان سهروردی به عنوان حاکم شرع از سال ۹۲۵ هجری قمری تا اواخر دوره صفوی است که احتمالا این خاندان در اثر حمله لشکریان نادرشاه افشار به جنوب فارس از بین رفته یا مهاجرت کرده اند. سوم ثبات رونق اجتماعی خنج در دوره صفویه با توجه به رونق خانقاه ها، مساجد، و مدارس بود که محلی برای رفت و آمد مسافران، تردد پیروان طریقت های مختلف، ورود فقراء و مستمندان و طلاب مدرسه های دینی بوده است. چهارم رواج کشاورزی و باغداری، چاه های آبی در منطقه خنج که اراضی وقفی بسیاری برای بقعه های شیخ دانیال و شیخ ابونجم به همراه داشته است. پنجم گستردگی اراضی وقفی در ابتدای دوره صفوی در بقعه شیخ دانیال و کوچکتر شدن اراضی وقفی در اواخر دوره صفوی بوده است. ششم کشف و شناسایی طوایف مهمی که در خنج آن دوره زندگی می کرده اند و رد یابی تا زمان حاضر که مشخص شد طوایف ابونجمی، دانیالی، سلجوقی، درویشی، خلوتی، شعبی از دوره صفوی تا امروز در خنج ساکن هستند. هفتم ردیابی مکانهای جغرافیایی مندرج در وقف نامه ها که برای مطالعات جغرافیایی و تاریخی خنج کمک شایانی به حساب

اشخاص	القاب	وقف نامه شیخ دانیال سال ۹۲۵ قمری	وقف نامه شیخ ابونجم ۱۱۲۲ قمری
شیخ دانیال (عارف قرن هفتم)	قطب العارفين شيخ ركن الحق والولاية والشرعيه والطريقه و الحقيقه والاشاره و الدين		
شیخ عبدالسلام (عارف قرن هشتم)	قطب العارفين سراج الملة والدين		
شیخ شعيب (عارف قرن هشتم)	كهف السالكين و قطب العارفين، سراج الملة والدين		
شیخ حاجی محمد ابونجم (عارف قرن هشتم)	شيخ الاسلام قطب العارفين شمس الملة و الدين		
شیخ زين الدين و شيخ محمد زمان ابناء شيخ محمود شيخ زينة ابونجمي (واقفان وقف شيخ ابونجم)	جنابان عمدہ النجaban سلالة المشايخان العظام		
شیخ محمد ابن سعيد شيخ عمادالدين شيخ احمد دانیالی (واقف وقف شيخ دانیال)	جليل الله و المنزلت، رفيع مرتبه، سلالة النجباء، امدہ الکبرا، الفخام شيخ المشايخ الکرام		

(جدول شماره ۵: القاب)

می آید. هشتم شناسایی القاب و عناوینی که بین مردم نسبت به بزرگان خود رواج داشته است. این القاب در ابتدای دوره صفوی طولانی و در پایان دوره صفوی کوتاه تر و موجزتر بوده است. و نهم وجود نظم اجتماعی در خنج با توجه به شغل هایی مانند طبایخ برای مدرسه های دینی، شغل غسالخانه، خادمان مساجد. و کشاورزان بوده است. در مجموع با توجه به اطلاعات مندرج در این دو وقف نامه می توان توعی از شکوفایی اجتماعی و اقتصادی را در خنج دوره صفویه دید.

منابع

- ابن بطوطه (۱۳۶۱)، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن بلخی (۱۲۸۵)، *فارس نامه*، براساس متن مصحح لسترنج و نیکلسن، تهران، اساطیر.
- استرآبادی، میرزاهمدی خان (۱۳۷۷)، جهانگشای نادری، مصحح سید عبدالله انوار، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۷۳)، *ممالک و مسالک*، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، بنیاد موقوفات ایرج افشار، تهران.
- اقتداری، احمد (۱۳۷۱)، *لارستان کهن و فرهنگ لارستانی*، شرکت انتشارات جهان معاصر، تهران.
- خنجی، امین (۱۳۸۶)، *مشاهیر نامی خنج*، تهران، نشر و پژوهش فرزنان روز.
- اوبن، ژان، (۱۳۸۶)، «*بررسی جاده های کاروانی سیراف از طریق خنج و فال*» ترجمه محمدنامور، تحشیه محمدباقر وثوقی، در کتاب *مشاهیرنامی خنج*، تهران، نشر و پژوهش فرزنان روز.
- بلادری، احمد بن یحیی (۱۳۶۴)، *فتوح البلدان*، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تصحیح محمد فرزنان، تهران. انتشارات سروش.
- جنید شیرازی، جنید بن محمد (۱۳۶۴)، *تذکره هزار مزار*، محقق: عبدالوهاب نورانی وصال، تهران، کتابخانه احمدی.
- حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله خوافی (۱۳۷۸)، *جغرافیایی حافظ ابرو*، تهران، ج ۲.
- حزین لاهیجی، محمدعلی (۱۳۷۵)، *تاریخ و سفرنامه حزین*، تصحیح علی دوانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۸۲)، *فارسنامه ناصری*، تصحیح دکتر رستگار، تهران، امیرکبیر.
- فیگوئروا، سیلوا (۱۳۶۳)، *سفرنامه سیلوا فیگوئروا*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشرنو.
- صادقی یونس، ابونجمی، محمد (۱۳۹۵)، «*بازخوانی یک وقف نامه در خنج فارس*»، وقف میراث جاویدان، سال بیست و چهارم، تابستان، شماره ۹۴.
- صادقی یونس، ابونجمی، محمد (۱۳۹۵)، *بازخوانی وقفنامه بقعه شیخ دانیال در خنج فارس*، وقف میراث جاویدان، سال بیست و چهارم، پاییز و زمستان، شماره ۹۵-۹۶.
- کلانتر، میرزا محمد (۱۳۶۲)، *روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس*، مصحح عباس اقبال، تهران، سنایی
- لاری شیرازی، روح الله (۱۳۹۰)، *شرفنامه (مکاتبات دیوانی ایالت فارس و لارستان در دوره صفویه)*، تصحیح و تحقیق، دکتر محمد باقر وثوقی، تهران، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- لسترنج، گای (۱۳۸۲)، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- لمبتن، اک (۱۳۷۲)، تداوم و تحول در تاریخ ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر نی.
- محمود بن عثمان (۱۳۵۸)، فردوس المرشديه فی اسرار الصمديه، به کوشش ایرج افشار، تهران، طهوری.
- مصطفوی، محمدتقی (۱۳۷۵)، اقلیم پارس، تهران، نشر اشاره.
- نوری، محمد نور (۱۳۸۴)، خنج دارالاولیای فارس گنجینه فرهنگ و تمدن لارستان، تهران، انتشارات حضرت عباس (ع)، قم.
- نیمدهی، عبدالکریم (۱۳۹۴)، کنزالمعانی (منشآت نیمدهی)، تصحیح دکتر محمد رضا نصیری و محمدباقر وثوقی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۰)، «مکاتیب قطب الدین بن محیی کوشکناری لاری» و تأثیر آن در تأسیس شهر قطب آباد، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، خرداد و تیر، شماره ۴۴ و ۴۵.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۷۴)، خنج گذرگاه باستانی لارستان، قم، نشر خرم.
- یزدی، شرف الدین علی، ظفرنامه، ناشرچاپی: مرکز اسناد مجلس، ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان



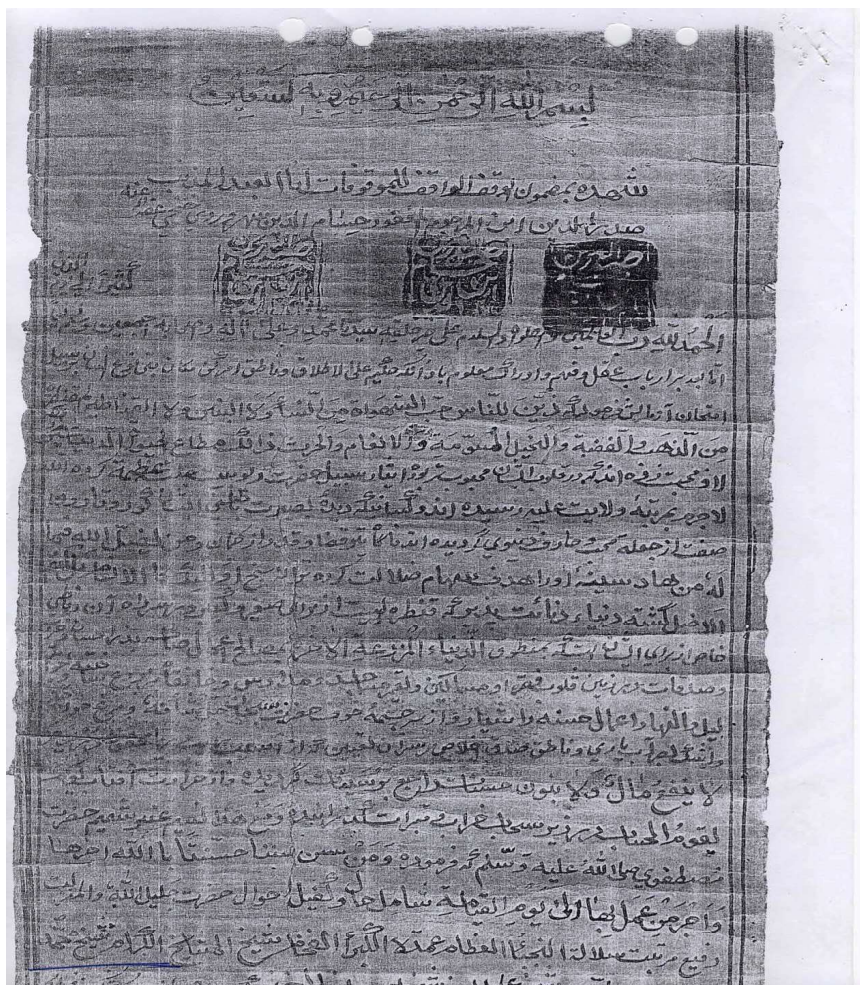
مقبره شیخ حاجی محمد ابونجم در خنج
(قرن هشتم)



مناره شیخ دانیال خنج (عکاس: ابراهیم رحیمی نژاد)



(اصل وقف نامه شیخ ابونجم)



(اصل وقف نامه شیخ دانیال)